

وکالت ایرانی

(مجلس پنجم - اجلاسیهٔ اوّل)

۱۳۷۵/۲/۷ - ۱۳۷۶/۳/۶

نوشتۀ

حسن سبحانی

(نماینده ادوار پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی)

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۵



- سرسناسه
عنوان و نام پدیدآور : سبجانی، حسن، ۱۳۳۲ -
مشخصات نشر : وکالت ایرانی (مجلس پنجم - اجلاسیه اول) ۱۳۷/۳/۷ - ۱۳۷۶/۳/۶ نوشته حسن سبجانی
مشخصات ظاهری : تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۵.
فروست : ۴۴۷ ص.
شابک : کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی؛ ۵۰۱.
وضعیت فهرست نویسی : ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال: دوره: 4-244-220-600-978: 1-245-20-600-978
موضوع : فیا
موضوع : سبجانی، حسن، ۱۳۳۲ - ، خاطرات.
موضوع : نمایندگان مجلس - ایران - سرگذشتنامه
موضوع : Legisiators-Iran-Biography :
موضوع : نمایندگان مجلس - ایران - دامغان
موضوع : Legisiators-Iran-Damghan :
شناسه افزوده : ایران، مجلس شورای اسلامی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد
رده بندی کنگره : ۱۳۹۵ : ۱۸ س ۴۲ س / ۹ / JQ ۱۷۸۷
رده بندی دیویی : ۳۲۸ / ۵۵۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۷۵۳۷۰



وکالت ایرانی

جلس پنجم - اجلاسیه اول

۱۳۷۵/۳/۷ - ۱۳۷۶/۳/۶

نوبت: نهمین سبجانی

(نماینده ادوار پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی)

صفحه آرا محمود خانی

شماره انتشار: ۴۳۱

نظارت تولید: مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی

ناظر فنی: نیکی ایوبی زاده

چاپ اول: ۵۴

شمارگان: ۵۰۰

بهای دوره: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۰-۲۴۴-۴

شابک ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۰-۲۴۵-۱

انتشارات و توزیع:

انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی: تهران، میدان بهارستان، خ مجاهدین اسلام،

نیش کوچه آجانبو، ساختمان پلیس + ۱۰، طبقه سوم، تلفن: ۳۳۵۴۸۱۴۷-۸

www.lcal.ir نشانی سایت اینترنتی:

نشانی پست الکترونیکی: Pajooreshlib@gmail.com

پیشگفتار

با اینکه از دوران نوجوانی، همواره در اشتیاق فعالیت در یک حزب اسلامی به سر برده‌ام، اما حتی به دهه‌ها که در ایران، نظام سیاسی تغییر کرد و انقلاب اسلامی، دوران باور نکردنی حاکمیت ایدئولوژی اسلامی را در یکی از کشورها در جهان معاصر عملیاتی کرد، برای جامعه عمل پوشانیدن به آن اشتیاق دیرینه اقدامی عملی نکردم و البته ادله بسیاری هم برای این عدم اقدام وجود داشته و دارد. این ادله در گذر زمان و همراه با تحولات ساز و کار کشور و تغییرات در فهم من از ساز و کار حاکم بر جامعه ایران، متفاوت بوده است، لیکن هنوز هم ضمن باور به ضرورت نظام حزبی در کشور، تلاش نکرده‌ام یکی از موانع به تحقق آن باشم و عمده‌ترین دلیل آن هم، این است که چون کارکرد مثبت احزاب در قبال توسعه‌یافتگی جامعه جلوه می‌کند، برای کشور ما که تازه سیدن به دوران تجربه توسعه‌یافتگی، هنوز فاصله‌های قابل اعتنایی وجود دارد، باید متوجه بود که احزاب با درجات نازلی از آنچه از آنها در جامعه‌ای دینی انتظار می‌رود، فعالیت کنند و این مقوله هرچند لازم است، اما با روحیات من سازگاری ندارد، لذا حسرت حضور احزاب متعهد و فعال را در گذر سال‌های طولانی عمر با خود داشته و دارم و واقع این است که چندان به تحقق آن در سال‌های مانده از عمر خودم خوش‌بین نیستم.

نکته‌ای که مطرح ساختم منطقاً و هرچند تلویحاً، دربردارنده این مهم است که من به کارکرد جبهه‌ها و جناح‌ها و احزاب و دسته‌بندی‌های مختلفی که در کشور وجود دارد و در موسم انتخابات و به صورت پروژه‌ای، لیستی از کاندیداها را با ساز و کاری عجیب و البته آشنا برای تصدی مسئولیت‌ها تدارک نموده و بعضاً به پیش می‌برند، باور نداشته و حتی به آن انتقادات فراوانی دارم و از این روی، هیچگاه طایفه‌ای را عضو و یا فعال هیچ یک از آنها نبوده و نیستم. آنها هم چندان با من روابط خوبی ندارند، زیرا آنچه برای من مهم بوده و هست، این است که حقیقت را دنبال کنم و پیهی است جستجوی حقیقت امور در فعالیت‌های جمعی حزبی و سیاسی کار ساده‌ای نیست و تشکلهای برای رسیدن به قدرت و دوام در آن، ناگزیرند از اعضا و علاقمندان و بعضاً مریدان خود بخواهند که جز آن چه آنها می‌گویند و می‌کنند، انجام ندهند و این مقوله‌ای نیست که با خلق و خوی من سازگار باشد.

البته، کار درست آن است که این تشکلهای شبه سیاسی، در گذر زمان، دارای مواضع مکرر اعلام شده در امور مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... بوده باشند، در آنصورت، اعضا هم می‌توانند و باید انضباط تشکیلاتی خود را در پیروی از مواضع آنها رعایت نمایند، اما وقتی تشکلهای سیاسی کشور، فقط در هنگام انتخابات، آن هم با محوریت چند نفر از اشخاص مهم و نامدار دایرمداری مواضع و تفکرات و مکتوبات رسوب کرده در گذر زمان، فعالیت موسمی دارند، در آنصورت برای امثال حقیر، حتی توهین محسوب می‌شود که در مجموعه‌ای فعالیت کنم که شناسنامه‌ای جز عنوان، که آن هم در فصول مختلف متغیر می‌شود، ندارد. لذا من، همواره در دوران فعالیت‌های سیاسی اجتماعی‌ام مستقل بوده‌ام و برحسب مورد، موضعی که اتخاذ می‌کرده‌ام، گاهی متفاوت از جبهه‌ها و تشکلهای و زمانی منطبق با آنها و گاهی موافق یکی و مخالف دیگری و ... بوده

است. اما این استقلال در رای برای کسی که می‌خواهد مثلاً در مجلس شورای اسلامی فعالیت کند، با دشواری‌های مضاعفی همراه می‌شود و در مورد من، چنین بوده است.

مجلس، محلی است که در آن، رای اکثریت نمایندگان است که می‌تواند مصوبه‌ای را رسمیت بخشد و ایده‌ای را عملی کند و اهدافی را تعقیب نماید و این مقوله در مجلس شورای اسلامی که زمانی ۲۷۰ و بعداً ۲۹۰ نفر عضو داشت، به معنای آن است که با رعایت موازین و ضوابط آئین‌نامه داخلی مجلس، برای اینکه یک طرح و یا یک لایحه به تصویب مجلس رسیده قلمداد شود، باید حداقل نظر یا رای مابعد ۲۷۰ نفر در مجلس ۲۷۰ نفری و ۹۸ نفر در مجلس ۲۹۰ نفری را با خود همراه داشته باشد. بدیهی است برای به وجود آمدن چنین اتفاقی در آراء، ضرورت کار جمعی و حزب‌بیش از پیش، خود را نشان می‌دهد و در مقابل، فعالیت مستقل، سختی‌ها، محدودیت‌های طاقت‌فرسای خود را نشان می‌دهد، زیرا در فعالیت مستقل، باید بر هر طرح و یا لایحه‌ای، در جستجوی افراد متغیری بود که محتوای آن طرح یا لایحه ممکن است نظر آنان را به خود معطوف کرده باشد و با تمایلات و علائق جناحی و حزبی آنها هم منافات نداشته باشد.

من در طول فعالیت طولانی‌ام در مجلس شورای اسلامی، کرات، کسانی را دیده‌ام که با این ناسازگاری مواجه بوده‌اند که نظر شخصی‌شان در خصوص طرح یا لایحه‌ای، متفاوت از نظر جناح و حزب آنان بوده است و لذا آنان اگر می‌خواستند تشکیلاتی عمل کنند، باید نظر شخصی خود را که بعضاً هم صائب و حقیقی بوده است، به کنار بگذارند و تن به خواسته تشکیلاتی خود دهند که چندان هم به آن اعتقاد نداشته‌اند و این کاری صعب و بسیار ناخوشایند است، بخصوص برای کسانی که با توجه به ایدئولوژی دینی خود تکلیف‌گرا هستند و

می‌خواهند تکالیف ملی خود را آن طور که دین می‌خواهد، انجام دهند و چندان نتیجه‌گرا نیستند که تحت هر ضابطه و شرایطی به نتایج کار فکر کنند و برای نیل به آن از تکلیف خویش عبور کنند. اما همانطور که گفتم، تکلیف‌گرایی هم موجب کاهش شدید آرای متمرکز بر موضوع می‌شود و در نتیجه احتمال به نتیجه رسیدن تلاش‌ها برای مصوب شدن قانون را کم و کمتر می‌کند. از این جهت است که به نظر می‌رسد تلاش برای تأسیس احزاب معطوف به باورهای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اهتمام بر تربیت اعضای که به خاطر حق محوری و تکلیف در این میان، اصولاً منویات حزب را هم از مجاری تکلیف‌گرایی جستجو کنند، از این جهت ضروریات حیات سیاسی کشور بوده و هست، معه‌ذا من با تفکری تکلیف‌گرا به شدت مبرا از وابستگی به احزاب و جناح‌ها و تشکل‌های سیاسی و در موضع یک عضو هیأت علمی از دانشگاه تهران، در سال ۱۳۷۵ نماینده مجلس پنجم شورای اسلامی شدم و این مسئولیت را با حفظ همین مواضع و موقعیت در مجالس ششم و هفتم شورای اسلامی ادامه دادم تا اینکه در خرداد ۱۳۸۷ دوران نمایندگی‌ام با آراء مردم به پایان رسید.

لذا خوانندگان محترم در مجلدات کتاب «وکالت ایرانی» با نماینده‌ای مواجه هستند که در سن ۴۳ سالگی در موضع یک معلم اقتصاد دانشگاه تهران، مستقل از وابستگی و تمایلات جناحی و سیاسی و از یک شهرستان واقع در سیصد و سی کیلومتری تهران که حدود هشتاد هزار نفر جمعیت داشته است، به مجلس شورای اسلامی رفته و در سن ۵۵ سالگی، پس از دوازده سال نمایندگی و در پایان مجلس هفتم، مجلس را ترک کرده و خود را متعهد نموده است تا در دوران دوازده ساله نمایندگی مجلس، خود را در اتاقی شیشه‌ای قرار داده باشد تا همه آنچه را که می‌اندیشد و عمل می‌کند، به مردم کشورش بنمایاند و مقوله‌ای را از آنان مخفی ندارد.

من ناگزیر بوده‌ام مستقل باشم تا از آنچه به موجب قانون اساسی بر عهده گرفته بودم، دفاع کنم و در عین حال، به محرومیت‌ها و نیازها و توقعات مردم در حوزه انتخابیه‌ام، دامغان، هم رسیدگی کنم. حیثیت نمایندگی را پاس بدارم و از وظایف ملی‌ام کم نگذارم و در عین حال، شهرستان دامغان را از امکانات و زیربنای لازم برای رشد و توسعه در حد امکانات کشور و از طریق مجاری قانونی آن برخوردار سازم.

اینک در، «طر به سطر» «وکالت ایرانی» خوانندگان ارجمند با بخش اعظم آنچه من در روزه‌های متوالی و هفته‌ها و سال‌ها با آنها مواجه بوده‌ام، روبرو می‌شوند و درباره چگونگی ادای آنچه به عنوان ودیعه در اختیار من قرار داده بودند، ارزیابی و قضاوت می‌نمایند. لازم است بر آن بوده است تا مفاد سوگند موضوع اصل شصت و هفتم قانون اساسی را که در نخستین جلسه هر دوره‌ای از مجلس، آن را یاد و امضا کرده‌ام، در بیشترین حدش عملیاتی کنم. لیکن قطعاً با توجه به مشکلات مختلف، کاستی‌هایی در این باب بوده است که از ملت بزرگ ایران در خصوص آن کاستی‌های ناخواسته، عذرخواهی می‌کنم.

آری، من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر مطلق سرگند یاد کرده و با تکیه بر شرف انسانی‌ام تعهد نموده بودم که «پاسدا» — ایم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم. ودیعه‌ای را که ملت به من سپرده، به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوا را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم. از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهار نظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مد نظر داشته باشم».

متعهد بودن به این سوگندنامه، کاری ساده و ساده‌اندیشانه نیست و شرایط و سیستمی را می‌طلبد تا زمینه و امکان اهتمام به آن فراهم آید. من امیدوارم به گواهی و شهادت آنچه در «وکالت ایرانی» آورده‌ام، در راستای این تعهد و منطبق بر آن، طی طریق کرده باشم، اما اینکه بین امیدواری من تا ارزیابی ملت از این کارکرد، چقدر فاصله باشد، مقوله‌ای است که فقط می‌توانم امیدوار باشم که زیاد نباشد و خدا کند که چنین باشد.

ضرورت دارد نکات دیگری را هم در این ارتباط یادآور شوم تا فهم واژه به واژه وکالت ایرانی برای خوانندگان محترم، عملیاتی‌تر و واقع‌بینانه‌تر شود.

۱. تلاش من برای آن است که تصویری کامل از آنچه را در هر روز بر من می‌گذشته است، ارائه کند. البتّه در این تلاش، کاملاً موفق نبوده‌ام، زیرا امکان نوشتن راجع به کمیسیونهایی که عضو آنها بوده‌ام، یعنی کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات و همچنین کمیسیون ارشاد و فرهنگ اسلامی، فراهم نیامده است. واقعیت این است که نمایندگی مجلس، کاری سخت و پرهزیمت است و اگر یک کارشناس برای نگارش آنچه نماینده انجام می‌دهد، در کنار او باشد، باز هم ممکن است موفق به ثبت همه امور و کارها نشود، چه برسد به اینکه خود نماینده، تمام این کارها را انجام دهد. من خودم علاوه بر انجام کارها، آنها را ثبت و یادداشت هم کرده‌ام و بعد از دوران دوازده سال نمایندگی مردم، به مدت نه سال دیگر، برای تنظیم و تکمیل و چاپ آن وقت گذاشته‌ام تا این مجموعه مفصل در اختیار مردم قرار داده شود. بنابراین نمی‌توانم گفت این روزشمار دوازده ساله، صد در صد مطالب و فعالیت‌ها را در بر گرفته است، اما می‌توان مطمئن بود که آنچه آمده، اکثریت قریب به اتفاق آنچه را که باید می‌آمده، شامل می‌شود. این کتاب، تصویری واقعی از همه آن چیزی است که

طی ۴۳۸۳ روز بر یک نماینده مستقل مجلس گذشته است و می‌تواند با کسب اطمینان از صحت آن، مورد ارجاع و استناد واقع شود.

از آنجا که تنظیم این مجموعه، بعد از دوران نمایندگی واقع شده است، می‌توانستم به تصحیح بعضی از مطالب و مواضع پردازم که تغییر در آنها به خاطر گذر زمان از موضوعیت برخوردار می‌شده است، لیکن به رسم امانت، هیچ تغییری در آنچه نوشته‌ام ندادم، حتی اگر مطلبی را غلط استدلال کرده بودم، به هنگام تنظیم، اینکه به غلط بودن آن واقف شده بودم، اصلاح نکردم تا وضعیت شرایط فکری من در آن زمان که می‌گفته‌ام و عمل می‌کرده‌ام، همان طور که بوده، منعکس شود.

۲. مطالبی که در این کتاب نه‌شده‌ام، حاوی دیدگاهها، مذاکرات جلسه علنی، اقدامات، مواضع سیاسی، انتقادی و اجتماعی، رویکردها، اظهار نظرها، مراجعات، ملاقات‌ها، مکتوبات و ... من در طول سه دوره نمایندگی مجلس است و از این جهت، آنها را بی‌کم و کاست آورده‌ام که خوانندگان محترم بر مواضع و تغییرات احتمالی آنها در گذر زمان (که در حد سفر بوده است) و اقدامات و تعاملات من با مراجعه کنندگان وقوف یافته و بدانند که از کسانی که از طرف آنان، سرنوشت قانونگزاری را در سال‌های ۱۳۸۷ - ۱۳۹۵ برعهده داشته، چگونه می‌اندیشیده و چگونه اقدام می‌کرده است. این شناخت می‌تواند هم عطف به اصلاحات احتمالی در انتخاب‌های بعدی و هم مربوط به شناخت پارلمان و جامعه ایران و قانونگذاران و مدیران آن و نوع امور در مواجهه با آنان در طی آن سال‌ها بوده باشد.

۳. بخشی از مطالب که منعکس‌کننده ملاقات با مردم است، همچنین مطالبی که حاکی از تماس‌های تلفنی و یا حضوری است و حتی بعضی از مطالبی که ممکن است تکراری به نظر برسد و یا حتی بی‌اهمیت جلوه کند، از نظر من، از

زمره مطالب مهم این کتاب است. ممکن است در مکتوب من، صرفاً اشاره شده باشد که به عنوان مثال، صبح یک روز معین با ده نفر متقاضی وبا هر کدام به مدت حداقل پانزده دقیقه ملاقات داشته‌ام. اما آنچه مهم است، آن است که در این پانزده دقیقه چه مطالبی گفته شده و من چگونه با آن مطالب و پیگیری‌های بعدی آن کنار آمده‌ام و از آنجا که عمده این مراجعات، مربوط به شغل یابی، دریافت مساعدت مالی به خاطر فقر و درخواست مساعدت برای دریافت وام از بانک‌ها بوده است ساعات و ایام مربوط به آنها جزو سخت‌ترین و طاقت فرساترین زمان‌هایی بوده که بر من گذشته است، بخصوص که فردی به شدت عاطفی هستم و شدیداً بی‌بالا احتیاجات و محرومیت‌های ابراز شده و نشده دیگران می‌شکنم. این مراجعات، همراه تماس‌های تلفنی و محتوای آنها که من در چند کلمه آنها را خلاصه کرده‌ام، دریافت بسیار خوبی به محققان در چگونگی جامعه مراجعه‌کننده می‌دهد و می‌تواند راهنمای جامعه ما را در بخشی از کشور عزیزمان و در دوره معین و مشخص روایت کند. در این ارتباط، تلاش من بر آن بوده است که حتی مراجعات مکرر یک فرد را به اندازه همان دفعات بنویسم و سعی نکنم فقط نمونه‌ای از امور و مسائل را منعکس کنم. زیرا فردی که مثلاً حدود شش ماه بطور روزانه و یا چند روز یک بار، یک مسأله خاص شخصی، ولی مهم برای خودش را دنبال می‌کند، درواقع، هزینه فرصت وقت، نهاده مجلس را ندانسته و آن را مراعات نکرده است. جامعه ما مملو از این مراجعه‌کنندگان اعم از حضوری و یا تلفنی است. نماینده مجلس مجری نیست که بتواند به همه این مشکلات رسیدگی کند. گاه تلفن‌کننده‌ای نیم ساعت مکالمه دارد و من می‌باید با احترام به سخنان او گوش کنم و چون بعضاً پس از آنکه از مجاری دیگر ناامید شده‌اند، به وکیل خود رجوع می‌کنند، انتظار دارند مشکلشان حل و فصل هم شود. و وقتی امکان حل آن کم است و یا اصولاً نیست، سرخورده می‌شوند.

برای تقریب ذهن به این مراجعات، در نظر بگیرید که بیماری از شهرستان برای درمان به تهران آمده و قبل از اذان صبح به ترمینال مسافربری رسیده و شماره تلفن منزل نماینده را می‌گیرد و او (اگر در مأموریتی نباشد) و یا خانواده‌اش باید سراسیمه به تلفن نابهنگام پاسخ دهند و دارای این قابلیت هم باشند که بیمار آن سوی خط تلفن را که دارد و یا می‌خواهد با «وکیل» خود صحبت و چاره جویی کند که به او پزشک معرفی نماید، یا بیمارستان، یا هزینه درمان و ... را بدهد، درک کنند و احساسات او را جریحه‌دار نسازند.

۴. در ارائه تصویب واقع‌بینانه‌ای از آنچه که بر یک وکیل و یا نماینده مجلس در ایران می‌گذرد، چنان به این نکته توجه نداشته‌ام که مآوقع خوب و یا بد هستند، مناسب هستند یا نیستند. تمام اهتمام بر آن بوده است تا جامعه معاصر و همچنین آیندگان تا آنجا که ممکن است از طریق این مکتوبات، بدانند بر یک نماینده به لحاظ شغل قبلی داند گاه و به لحاظ مشی سیاسی مستقل از جناح‌ها و احزاب موجود (و نه لزوماً معاند یا محاب با همه مواضع آنان) و به لحاظ تعلق اولیه جغرافیایی وابسته به شهری با جمعیت کم و به طور طبیعی دارای محرومیتها و نیازهای زیاد و سوگندی که یاد کرده، چنان گذشته و توان و زمان او چگونه مصروف امور مختلف شده است. و این شیوه تخصیص امکانات که عاملان تخصیص آن، هم شخص نماینده و هم نوع مطالبات و مراجعات بوده‌اند، چه اندازه بهینه و از روی انصاف و عدل بوده است؟ صرفاً با تأملی در این نحوه نمایندگی است که می‌توان فهمید چرا مسائل ما به صورتی است که با آن مواجهیم. بخصوص اینکه اگر کارکرد این حقیر را به تعبیری که در فضای سیاسی کشور در این دوره دوازده سال وجود داشت، معطوف به پرکارترین‌ها بدانید، آنگاه می‌توان درباره کارآمدی مجلس مرگب از همه نمایندگان، به ادراک بسیار واقع‌بینانه‌تری نائل شد و به علل بسیاری از مشکلات

پی برد. البته ممکن است با دریافت علل هم، به سادگی، مشکلات ما حل نشود، اما حداقل آن است که می‌دانیم مجلس در این شاکله قدرت و مدیریت کشور، چه نقشی دارد و از چه جایگاهی برخوردار است. من جداً بر این باورم که فقط از این مجاری است که می‌توان اندازه در رأس بودن مجلس را سنجید.

۵. تعداد نمایندگان حاضر در مجالس (حضار) را که طبق آئین نامه باید دو سوم نمایندگان باشند تا جلسات رسمیت پیدا کند، می‌توان از طریق مطالعه و رصد کردن آن در مذاکراتی که در کتاب آورده‌ام، ببایید. دقت در این حد نصاب نشان می‌دهد که در اکثریت قریب به اتفاق مواقع، حضار در حول و حوش همان دو سوم بوده‌اند و بدیهی است که قانونگذاری با رای مثبت نصف بعلاوه یک حضار می‌شده است که حداقل ۹۸ - ۹۱ نفر بوده است، و این به معنی آن است که مجموعه قوانین کشور ما عمدتاً با نظر مثبت یک سوم کل نمایندگان مجلس به ساهان برآمده‌اند. اما نکته مهمی که وجود دارد، آن است که چندان اطمینان نیست که دو سوم نمایندگان که رسمیت مجلس را موجب می‌شوند و تعداد آنها را تابلوها نشان می‌دهند، واقعاً دو سوم باشد. کافی است چند نفری از آنان بدون کارت زدن، برای دستیابی ریاضت از آن جلسه را ترک کرده باشند (که این احتمال در بسیاری از مواقع تحقق می‌یابد) و در همین اثنا رای‌گیری‌های متعددی شود (که می‌شود) و در آنصورت ممکن است آرای مثبت، معادل نصف تعداد عدد مندرج بر تابلو بعلاوه یک بوده باشد. اما نصف تعداد حضار بعلاوه یک نبوده باشد و این به معنای آن است که مصوبه‌ای از نظر مجلس تأییدیه دریافت کرده است که در واقعیت امر، ضوابط نصاب‌ها را طی نکرده و یا رعایت ننموده است. ملت نباید از پیام این نکته و ظرافت‌های مندرج در آن غفلت کند.

۶. در بسیاری از مطالبی که نوشته‌ام، بعضاً اشکالات ویرایشی بسیار و ایرادات املائی معدود به چشم می‌خورد. من، این موارد را عمدتاً به اینصورت آورده‌ام.

به عنوان مثال، در مذاکرات مجلس، این مقوله زیاد به چشم می‌خورد، اما حفظ آن به خاطر این است که اسناد رسمی مربوط به مجلس، همانطور که انتشار یافته است، باقی بماند و اگر اشکالی در متن مذاکرات است، ادارهٔ تندنویسی مجلس، اشکالی را برطرف نکرده و یا نتوانسته برطرف کند و همانطور که بوده، آن را منتشر کرده است.

این نکته در مورد مصاحبه‌ها هم بسیار به چشم می‌خورد، اما من با حفظ همان وضوح، خواسته‌ام به سطح دانش روزنامه‌نگاری و حساسیت روزنامه‌نگران به انتشار صحیح و ویرایش شده مطالب و ... اشاره داشته باشم. این واقعیتی است که در موارد بسیاری از مصاحبه‌ها صادق است. مصاحبه‌ای که از فردی توسط نشریه‌ای انتشار می‌یابد، با سطحی نازل از کیفیت مربوط به ویرایش و حتی صحت و سلامت آن مطلب همراه است. من نخواسته‌ام با ویرایش آن در سال‌های بعد، وادارم که وجد داشته است اصلاح کنم تا متن مصاحبه قابل فهم‌تر شود. درواقع، انجمن تاریخی را فدای متنی منقح و قابل دفاع نکرده‌ام. باشد تا از این طریق هم، روند تکاملی دانش ارتباطات و روزنامه‌نگاری در کشور، قابل پیگیری و سنجش باشد.

معهداً، امانت حکم می‌کند که بگویم ممکن است به واسطهٔ اصلاحات صرفاً ویرایشی و یا املایی در این متون به عمل آمده باشد که اجتناب یابد. بوده، اما واقعیت همان است که نوشته شد.

۷. شغل من قبل از رفتن به مجلس شورای اسلامی، عضویت در هیأت علمی دانشگاه تهران بود و پذیرش نمایندگی مجلس، مطابق اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی برایم مجاز بود. لذا علیرغم اینکه مطابق ضوابط دانشگاه تهران، در این دوازده سال به لحاظ آموزشی، موظف به آموزش و پژوهش نبودم، اما در کنار تکالیف و مسئولیت‌های سنگین نمایندگی، همواره در هر ترم تحصیلی،

شش واحد درسی را تدریس کرده و پایان نامه های دانشجویی بسیاری را راهنمایی نمودم و یا مشاورت آنها را برعهده داشتم. البته در این مجموعه به این بخش از زندگی کاری ام اشاره ای نکرده ام، ولی در اینجا از آن جهت این مقوله را مورد یادآوری قرار دادم تا خوانندگان محترم کتاب، شرایط واقعی تری را از نحوه گذران ایام و ساعات آن توسط من در خاطر داشته باشند. اطمینان می دهم که اجازه ندادم کار نمایندگی ام که مسئولیت اصلی من بود، تحت الشعاع فعالیت های آموزشی و پژوهشی ام قرار گیرد. اما اعتراف می کنم که تدریس و تحقیق، کم و بیش، تحت الشعاع سنگینی کار نمایندگی مجلس واقع بوده است. به رغم این نکته صادقانه، سال های آموزشی و پژوهشی ام به لحاظ کمی و کیفی آنقدر قابل اعتنا بوده است که مرتب علم و دانشگاه های را با موفقیت طی نمایم و چنین شد.

۸. در خلق مجموعه «وکالت ایرانی» اعم از آنچه که ماده آن را تشکیل می دهد و آنچه که صورت آن را قوام بخشیده است انسان های شریفی همکاری داشتند. چند ده هزار نفر از شرکت کنندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه دامغان، و دوستان و همکارانی که از طریق همراهی با من در دفتر نمایندگی دامغان و بعضاً تهران، خدمت رسانی را تسهیل کردند. نمایندگان محترم ادوار پنجم - ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی و در آن کلام، همه آنهایی که در مجلدات متعدد وکالت ایرانی، از نام یا رسم آنان یاد شده است، سهم و دخیل بوده اند و هستند. از همه آنها تشکر می کنم و از حسن نظر آنان امتنان دارم. اما علاقه مند هستم به طور خاص از خادمان عزیز و خاموشی یاد کنم که بعضی از آنان مشوق، زمینه ساز، یار و غم خوار و تدارک کننده فرصت های بسیاری برای فعالیت های من در عرصه های مختلف بوده اند و گروهی دیگر که امکان چاپ و نشر این مجموعه فراهم ساختند و موجب شدند آن ناآرامی ها و تقلای های هدف دار و فراموش نشدنی به یادگار در لوح ایام بمانند. قدر عنایت، اعتماد و اهتمام آنان را می دانم و به پاسداری از زحمات آنها متعهدم.